

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

اداره جدید و اشنگتن ونحوه مدیریت معضل افغانستان ارزیابی توانایی‌ها، اهداف، ایدئولوژی‌ها و انگیزهای موجود بایدن و چگونگی موضعگیری در قبال جنگ و صلح

آیا تلاش‌های ایالات متحده در کشور ما نتایج دلخواهی به همراه خواهد داشت؟
آیا می‌توان منتظر موفقیت‌های ناتو در این گوشه آسیا بود؟
رویکرد روش شناختی در تعریف تعارض نامتقارن
دستپاچگی ساکنان باشگاه ارگ و حلقات بیرونی

کشور عزیز ما افغانستان در امتداد چهار دهه پسین با انواع مختلف بحران‌ها از قبیل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هویتی و مشروعیت‌رو پرو بوده است. بنظر می‌رسد سرچشمه همه‌ی این بحران‌ها در کشور، بحران مدیریت بوده است. معضل بحران مدیریت، سبب عدم توسعه، ضعف حاکمیت قانون، فقدان تحکیم دموکراسی و سرانجام ضعف حکومت‌داری خوب در افغانستان گردیده است. عوامل ذیل می‌تواند در بحران مدیریت کشور نقش داشته باشد: سیاست‌زدگی مسایل عمومی کشور، موجودیت تشکیلات موازی در تعدادی از ادارات، سیستم اداری متمرکز، نبود هماهنگی لازم میان قوای ثلاثه کشور در اخذ تصمیم ملی و تطبیق تصمیم متذکره، ضعف حاکمیت قانون در کشور، موجودیت شگاف‌های قومی، مذهبی و زبانی در کشور، بی‌اعتمادی میان دولت و شهروندان، نبود هماهنگی لازم میان دولت، جامعه مدنی و سکتور خصوصی در برخی موارد اساسی، رقابت کشورها بر سر مسایل افغانستان، نبود پالیسی ملی، وجود اختلاف دیدگاه میان متخصصان و سیاسیون کشور در موضوعات کلان، بی‌توجهی مدیران به پرنسیپ‌های مدیریت در بحران‌های کلان و خرد.

با انجام انتخابات ریاست جمهوری پسین در ایالات متحده، جو بایدن بمثابه رئیس‌جمهور آن کشور بکاخ سپید راه یافته و در رأس اداره و اشنگتن قرار گرفت. قابل یادآوری پنداشته میشود که در مورد نحوه و چگونگی موضعگیری و سیاست اداره جدید و اشنگتن برهبری جو بایدن در مورد قضایای کشور ما، پیشبینیها و گمانه‌زنی‌هایی بعمل آمده که اینک به بررسی برخی از آنها پرداخته می‌شود.

چنانچه می‌دانیم که بتاريخ ۳ ماه نوامبر سال روان، در انتخابات ریاست جمهوری پسین ایالات متحده، مبارزه نفس‌گیری میان دونالد ترامپ بنماینده‌ی از جمهوری خواهان و جو بایدن بنماینده‌ی از دموکرات‌ها آغاز گردید. بارتباط مسایل گفته‌شده، در مورد موضوعات مربوط به کشور عزیز باید یادآور شد که با تعویض رهبری در ایالات متحده، از جمله مطالب قابل بحث یکی هم نه چگونگی امضای توافق حاصله در دوحه، بلکه معضل نحوه‌ی اجرا و عملکردهای آتی آن و چگونگی تفسیر آن می‌باشد، چه هر کدام از طرف‌ها بویژه "طالب‌ها"، آنرا به روش ونحوه برداشت منحصر بفردی تفسیر مینمایند. در واقعیت امر، توافق دوحه بمثابه سرآغاز مذاکرات و گفتگوهای صلح پنداشته شد و نه بمنظور کاهش خشونت در کشور. اما در آخر امر، نتیجه معکوسی ببار آورد. نباید فراموش نمود که حصول توافق و تعامل یادشده، سبب ایجاد تحركات مخالفت‌آمیزی در کشور نیز گردیده که در نوع خود نه بحیث گامی در مسیر صلح در کشور، بلکه بمثابه محرک و عامل انجام خشونت‌های جدیدی در کشور محسوب می‌گردید.

چنین پیشبینی نیز می‌گردد که بگمان اغلب بایدن، میان ستراتیژی غرب (میان سیاست‌های ایالات متحده و ناتو بمفهوم اخص کلمه)، هماهنگی‌های قابل توجهی را از قوه بفاعل مبدل نماید. در امتداد ماه‌های پسین، افتراق و دوگانگی‌هایی در موضعگیری و موقف ایالات متحده و ناتو در مورد کشور ما به

مشاهده رسید. موضعگیری و موقف ترامپ و گروهش با آنچه ناتو می پنداشت، کاملن از هم متفاوت بود. اما انتظار برده میشود تا با رویکار آمدن جو بایدن، سیاست و موقف واشنگتن با موضعگیری ها و عملکردهای ناتو بگونه ای هماهنگ شده و از همگرایی لازم برخوردار گردد. بعقیده بسیاری ها، پرداختن به چگونگی وضعیت در کشور ما، یکی از جمله عمده ترین وظایف جو بایدن محسوب می گردد.

بسیاری از ناظران امور، سخنان و اظهار نظرهای نامناسب جو بایدن در مورد کشور عزیز ما را بویژه زمانی که عضویت مجلس سنای کشورش و همچنان متصدی معاونیت ریاست جمهوری بارک اوباما را بر عهده داشت، همه بخاطر دارند.

سیاستمداران متقاعد گردیده اند که لهجه، نحوه دید و طرز نگاه ناتو در مورد قضایای کشور ما، بر ستراتیژی غرب تفوق حاصل نموده است. در اینجا سخن از حمایت و پشتیبانی قوت های دفاعی و امنیتی افغانستان و تأکید به قطع خشونت در کشور ما می باشد.

تاکنون و هنوز که هنوز است، "طالب" ها در مورد کاهش خشونت با اقدام قابل توجهی در کشور مبادرت نورزیده و باید پذیرفت تا زمانی که در سطح خشونت ها در کشور کاهش می یابد، ناتو در مورد فراخواندن نظا میانش از سرزمین کشور ما با اقدامی متوسل نخواهد گردید کاین خود در مورد برنامه ترامپ بمنظور فراخواندن همه نظامیان امریکایی از افغانستان که بر بنیاد وضعیت و شرایط مطرح بحث بود، در تضاد میباشد. بدین ترتیب، امریکاییها، قبل از همه، چنین فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما را معطل قرار داده تا در مورد چگونگی اقدام عملی در مورد یاد شده با متحدین و هم پیمانانش به توافق و تفاهم نایل آید. همچنان بسیاری از کارشناسان چنین می پندارند که بگمان اغلب، تمامی فرستاده ها و نماینده های ایالات متحده برای افغانستان، بویژه حُلمی خلیل زاد با اشخاص و فرستاده های جدید ایالات متحده تعویض خواهند گردید.

قابل یادمانی پنداشته می شود که برنامه های شخص اخیر الذکر در مورد کشور ما بعدم مؤفقیته منتج گردید و اما البته، برکناری خلیل زاد از امور مربوط بکشور ما بزمان نیاز دارد. چنین تعویضی از رهگذر بسیاری از مسایل، بنفع کابل خواهد بود. بگمان اغلب کاداره جدید واشنگتن، بیش از هر زمان دیگر، در ارتباط به قضایای کشور ما و بویژه در قبال موضعگیری های کابل و با تفاوت آنچه ترامپ و خلیل زاد بمثابة هوس های سیاسی، عملن در مورد "طالب" ها افراط نمودند، بگونه حساسی با اقدامات مناسبی متوسل خواهد گردید.

چنین ابراز نظرهایی نیز بعمل می آید که سیاست و عملکردهای ایالات متحده در آسیای میانه، بیش از همه، به عامل و فاکتور افغانستان بستگی دارد. اما در مورد یاد شده، پرسش هایی در مورد نحوه و چگونگی سیاست ایالات متحده در آسیای میانه بویژه در دوره ریاست جمهوری جو بایدن مطرح می گردد. پس از آنکه جو بایدن به کاخ سپید راه یافت، بسیاری ها چنین می پندارند که سیاست نامبرده برای آن عده اشخاص و افرادی که بویژه در صدد تداوم و ادامه آموزش و یا کار در ایالات متحده می باشند، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. همچنان بعقیده بسیاری ها که نحوه و چگونگی عملکرد و اقدامات ایالات متحده در افغانستان، برای کشورهای آسیای میانه از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد، چه سیاست ایالات متحده در آسیای میانه بگونه مستقیمی با عامل و فاکتور افغانی ارتباط و بستگی دارد. باین مفهوم زمانی که ایالات متحده به تشدید سیاست هایش در افغانستان مبادرت می ورزد، در مورد کشورهای آسیای میانه نیز از چنین رویه ای پیروی می نماید. اما آیا جو بایدن در صدد تغییر توازن قدرت به محوریت کابل می باشد؟

در مورد یاد شده چنین ابراز نظر می گردد که بایدن با راه یافتن به کاخ سپید، ممکن با بازنگری سیاست ترامپ، در صدد اعاده حیثیت "رهبر جهان آزاد" برای ایالات متحده گردد، باین معنا که واشنگتن مجدداً در درگیری های کشور ما، بیشتر از پیش دخیل خواهد گردید.

بگمان اغلب که رئیس جمهور منتخب ایالات متحده (جو بایدن) با جابجایی مهر های مورد نظرش در مراتب قدرت آن کشور در نظر دارد تا قبل از همه، بویژه در عرصه سیاست خارجی ایالات متحده، بگونه جدی با اقدامات و ابتکارات تازه ای مبادرت ورزد.

چنین ابراز نظرهایی نیز مطرح می گردد که گویا اقدامات و عملکردهای واشنگتن در اراضی افغانستان، برای آسیای میانه نیز از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. چه، سیاست ایالات متحده در منطقه یاد شده، بگونه همیشگی با فاکتور و عامل افغانستان ربط داده می شود. باین مفهوم زمانی که ایالات متحده به تشدید و گسترش مجموعه سیاست هایش در کشور ما می پردازد، در عین حال و بیش از هر زمانی بمنظور وسعت تأثیر گذاری

اش، به تشدید سیاست هایش در آسیای میانه نیز مبادرت می ورزد.

در حلقه‌های سیاسی چنین می‌پندارند که ترامپ برنامه‌هایی در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق به افغانستان در نظر داشت، اما اداره جدید واشنگتن تاکنون در مورد فراخواندن و عودت نظامیان امریکایی از کشور ما، برنامه‌ای را مطرح بحث قرار نداده است. ترامپ در مورد قضایای کشور ما، جدا از موقف ناتو و بگونه منحصر بفردی باتخاذ موضع‌گیری بمنظور تثبیت موقف و حیثیت کشورش می پرداخت، اما بایدن در نظر دارد تا بیش از پیش، اقدامات و نحوه عملکردهایش بیشتر با موضع‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های ناتو در مورد کشور ما همخوانی داشته باشد.

یادآور باید گردید که موزیک و ترانه فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین کشور ما، توسط رهبران ایالات متحده بگونه تکراری و همیشگی نواخته می‌شود و اما در این میان پرسشی مطرح می‌گردد که کی‌ها و کدام نیروها مانع عودت و برگشت نظامیان یادشده از اراضی متعلق به کشور ما بوده و آیا آنها در واقعیت امر و بگونه‌ای در گفتارشان صادق می‌باشند؟

قبل بر این، اداره ترامپ بگونه رسمی از کاهش نظامیان کشورش خبر داده بود. قرار بر آن شد تا در امتداد دوماه، بمثابه نخستین گام از تعداد مجموعی ۴۰۰۰ تن از نظامیان موجود آن کشور، در گام نخست بتعداد ۵۰۰ تن آنها و در دومین اقدام، در تعداد مجموعی نظامیان امریکایی در کشور ما بتعداد ۲۵۰۰ تن کاهش بعمل آید.

ترامپ در زمان زمامداری‌اش وعده نموده بود که همه نظامیان کشورش از افغانستان راتا آغاز سال نو ترسایمی بخانه عودت داده و به کشورشان فراخواند. اما از همان اول امر، این واقعیت راهمه می‌دانستند که موضع‌گیری‌های اینچنینی، تنها و تنها روی کاغذ باقی مانده و زمینه عملی شدن آن اصلن موجود نمی‌باشد. مطابق تعامل واشنگتن با "طالب"ها، امریکایی‌ها تا پایان بهار سال آینده باید اراضی کشور ما را ترک نمایند. اما دیده شده که قبل بر این نیز چنین برنامه‌های خروج نظامیان خارجی، بگونه جدی تعقیب نگردیده و از اجرای عملی آن نیز سخنی در میان نبوده و اما این واقعیت را نباید فراموش نمود که امریکایی‌ها بگونه قطعی اراضی کشور ما را هرگز ترک نخواهند نمود. اکنون که به کاهش نظامیان شان مبادرت می‌ورزند و اما پس از آن بصورت متناوبی بتعداد نظامیان شان افزایش بعمل می‌آورند. بگونه نمونه، فراخواندن یک‌هزار تن از نظامیان خارجی از کشور ما به چه مفهومی تلقی می‌گردد؟

اما واقعیت امر اینست کاین فقط و فقط کاهش شمار نظامیان محسوب نمی‌گردد، بلکه بخودی خود، مرحله و مقطع گذرایی در پایان طولانی‌ترین درگیری‌ها و عملیات مسلحانه و نظامی در تاریخ معاصر ایالات متحده در خاور میانه پنداشته می‌شود. درگیری‌های مسلحانه در کشور عزیز ما بمدت ۱۹ سال تداوم حاصل نموده که در امتداد درگیری‌های یادشده، حضور و موجودیت نظامیان امریکایی به ۱۰۰ هزار تن نیز ارتقا نمود. بلی و درنهایت امر، مأموریت‌های نظامی و مسلحانه، بویژه در سرزمین و اراضی کشورهای بیگانه باید خاتمه پذیرفته و نظامیان خارجی به محلات وضع الجیش شان عودت نموده و استقرار یابند. بوش، اوباما و ترامپ بگونه مکرر از فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما سخن گفتند، اما چرا تاکنون فراخواندن کامل قوت‌های نظامی و جنگی کشورشان از قوه بفعل مبدل نگردید؟

این خود، بمفهوم راه رفتن و گام گذاشتن روی اجساد کشته شده‌های جنگ بحساب می‌آید. همچنان در اینجا سخن از بی‌مسئولیتی‌های ترامپ مطرح بحث بوده که ایالات متحده مانند فرار از ویتنام، از سرزمین و اراضی متعلق به کشور ما نیز فرار نموده و جسد‌های جوانان امریکایی کشته شده در درگیری‌های ایجاد شده در کشور ما را با خود انتقال دهند.

ایالات متحده در نظر دارد تا با آغاز سال نو ترسایمی، تعداد نظامیان آن کشور در افغانستان را کاهش بخشیده و همچنان تعدادی از پایگاه‌های نظامی آن کشور را نیز ببندد. اجرای چنین تصمیمی برای کشور عزیز ما چه ببار خواهد آورد؟ ایالات متحده به کاهش اثرگذاری اش در کشور ما تصمیم گرفت تا ۱۰ پایگاه نظامی آن کشور در ولایت‌های نا آرام افغانستان مسدود گردد.

قابل تذکر پنداشته می‌شود که ایالات متحده مسئولیت این امر را بر عهده خواهد گرفت تا ۱۴ ماه پس از امضای توافق با "طالب"ها (۲۰ ماه جنوری سال ۲۰۲۰)، نظامیان آن کشور از افغانستان را فراخواند. این درحالیست که اوضاع امنیتی در کشور ما قناعت بخش نبوده و بگونه دوامداری با درگیری‌هایی میان قوت‌های دفاعی دولتی و مخالفان مسلح، وضعیت بیش از هر زمان دیگر متشنج تر گردیده است.

برگردیم بکابل، آیا با تشکیل اداره جدید و اشنگتن، تناسب نیروها در کشور ما متغیر و متحول خواهد شد؟ مسؤلان محلی در بسیاری از حالات در مورد حملات مسلحانه، "طالب"ها را مسؤل می پندارند. اما گروه نامبرده به رد اتهامات اینچنینی پرداخته و مسؤلیت بمب گذاری ها و انجام انفجارات را کار "داعش" می پندارند. اینک از حضور ایالات متحده در اراضی کشور ما ۱۹ سال سپری می گردد. در امتداد مدت زمان موجودیت نظامیان آن کشور در افغانستان، بی ثباتی تداوم حاصل نموده و اوضاع امنیتی روزتاروز، بد و بدتر گردید.

قرار است تا ماه جنوری سال نوترسای، تعداد مجموعی نظامیان امریکایی در کشور ما به ۲۵۰۰ تن کاهش یافته و تا پایان بهار سال یادشده، بگونه قطعی و کاملی سرزمین کشور ما را ترک نموده و اما تعدادی از نظامیان یادشده بمثابه آموزگارهای نظامی باقی خواهند ماند. چنین بنظرمی رسد که اگر اداره جدید و اشنگتن به تطبیق عملی تعاملاتش با "طالب"ها مبادرت نوزد، گروه اخیر الذکر به تداوم درگیری ها همچنان ادامه خواهند داد. در این مورد، قبل از همه، انگشت انتقاد نه تنها و بیش از سایرین، دونالد ترامپ را نشانه می گیرد، بلکه مسؤلیت یاد شده شامل حال همه افراد و اشخاصی می شود که بنحوی از انحاء خواهان تداوم اشغال کشور عزیز ما می باشند، آنها همه بخوبی می دانند که همه طرف های درگیری های مسلحانه در کشور، بیش از پیش از جنگ و تداوم نبردهایی که در حدود دوده در کشور ما آغاز گردیده، در مانده شده و بیش از این اصلن نمی خواهند به جنگ و درگیری های مسلحانه ادامه دهند.

آیا خارجی ها می خواهند واقعن و بزودترین فرصت ممکن کشور ما را ترک نمایند؟ در غیر آن، عده ای هم چنین شعار می دهند که "خارجی ها را به بیرون پرتاب نمایید!" و اما متأسفانه گروهی هم طرفدار خونریزی و تداوم جنگ در کشور می باشند.

مطابق بررسی های بنشر رسیده منابع آگاه و به نقل از سخنان مارک میلی، لوی درستیز ستاد فرماندهی قوت های مسلح ایالات متحده، کشورش در امتداد بیست سال جنگ و تداوم درگیری های مسلحانه در افغانستان بمؤفقت نا چیزی دست یافته است. نامبرده ادامه داده افزود که پس از دوده جنگ و هزینه نمودن منابع هنگفت مادی و مالی، دستاوردهای اندکی نصیب ایالات متحده گردید.

در اینجا قابل یاددهانی پنداشته می شود که حل و فصل بن بست کنونی بوجود آمده میان دولت افغانستان و مخالفان مسلح، تنها و تنها از طریق مذاکره و گفتگوهای صلح آمیز میان خود افغان ها امکان پذیر می باشد. در طول مدت زمان جنگ و درگیری های مسلحانه تاکنون، دولت افغانستان با وجود آنکه پشتیبانی همه جانبه ایالات متحده و جامعه جهانی را با خود دارد، اما از رهگذر نظامی مؤفق به پیروزی کامل بر "طالب"ها و شکست آنها نگردیده و "طالب"ها نیز قادر به تصرف کابل و یا تسلط کامل بر شهرهای بزرگ کشور نگردیدند. بنابراین، صرف و صرف راه و مسیر یگانه بمنظور خاتمه بخشیدن به درگیری های خونین کشور، کنار آمدن ها و تفاهم بوده و نه کنار رفتن ها و عدم اعتماد.

حصول تفاهم بویژه میان طرف های داخلی درگیر در قضایای کشور، به تقلیل و کاهش سطح خشونت ها منجر گردیده و گام مؤثری در پروسه صلح کشور ما پنداشته می شود. اما در مورد جهت خارجی قضایای کشور باید افزود و اینکه اداره جدید و اشنگتن در مورد قضایای موجود در کشور ما به چه اقدامی متوسل می گردد، زمان پاسخ خواهد گفت.

قبل از این، کریستوفر میلر، اعلام نموده بود که ایالات متحده از ۱۵ ماه جنوری سال ۲۰۲۱ درصد آن خواهد شد تا در افغانستان و عراق صرف بموجودیت و حضور ۲۵۰۰ تن از نظامیان آن کشور توافق نماید. در وضعیت کنونی بتعداد ۴۵۰۰ تن از نظامیان یادشده در کشور ما حضور دارند. این تعداد در کشور عراق به ۳۰۰۰ تن تخمین می گردد.

یکشنبه ۱۶ ماه قوس سال ۱۳۹۹ خورشیدی